



در پیرامون صندوق انتخابات

چهار خنجر برود

طبق آگهی قبلی انجمن فشار انتخابات محل اخذ آراء از خیابان سیروس به کلوب سینا واقع در خیابان نادری کوچه نو نیاز انتقال یافت و از روز دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۷ از ساعت ۹ صبح شروع شد و در اینحال با صندوق و فروشندگان آراء هم خرید و فروش رای به کلوب آمدند و وضع خرید و فروش رای مطابق اصل روزهای پیش بود. ولی دو سه برابر زیادتر انجمن قیافه حق بجانب خود را از دست نداده بود (۱) وضع انتظامات چه در خارج حوزه انتخاباتی و چه در محوطه کلوب رضایت بخش بود سرگرد مامور شهرتانی و رئیس کلابتری بخش ۲ جدا مراقب نظم و آرامش بودند و دویلهوان دیگر وارد گود انتخابات میشوند. یکی آقای ذ. که با حشرات عجیبی فعالیت میکرد برای اینکه خود ستانی کند و فعالیت های خود را بر رخ مردم بکشد در ملاقات با اعلیحضرت همایونی و جناب اشرف نخست وزیر می زد و در حالی که مرتب سیکار کامل دود میکرد بخود می پیچید و از روز چهارشنبه قبل طبق توصیه جناب آقای استاندار باتفاق برادرش در جلسه حاضر شده بود روز دوشنبه صبح امید نامی که پیشکار مخصوص و یادو سینه چاک آقای او بود بقیه در صفحه ۴

چرا روزنامه ایسرائل

کاندیدی هرفی نمیگنند

و چرا با کاندیدهای فعلی مخالفت مینمایند

که بصلاح اکثریت افراد آن جامعه باشد و جز حقیقت گویی طریق دیگری پیش نگیرد لذا در مورد دنا لت در امور مهم حیاتی و مسائل پر مسئولیت از قبیل انتخابات با مراحل دیگر اجتماهی بایستی بسیار تیز بین و دور اندیش بوده و اطراف و جوانب و آینده را کامل در نظر بگیرد بعد بر دم ارائه طریق نماید و مدعی هدایت اجتماع شود

مسا برای اینکه بتوانیم در قبال این وظیفه سنگین سرافراز باشیم و از عهده این مسئولیت مهم بر آیم ناچاریم دور نمای دوره پانزدهم مجلس شورای ملی را در نظر مجسم کنیم و موقعیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی فعلی وطن عزیز خود و جریان سیاست جهانی و اوضاع موجوده فعلی و تاثیر آن در کشور ایران را در نظر بگیریم و نیز اهمیت يك نماینده مهم از مسلمانان اسرائیل زردشتی یا زرتشتی را در مجلس قانون گذاری و اثری که در سر و کله ملت و یک کشور خواهد بخشید و موقعیت اجتماعی خاص اسرائیل ایران و احتیاجات ضروری افراد معلوم آن و محدودیتهای موجوده قانونی و غیر قانونی آن را در نظر بگیریم و بایستی بشود و آنچه ممکن است بشود و در مقابل علل کلی و جزئی دیگر را باید در مقابل خود قرار دهیم و نتوانیم که محتملا بقیه در صفحه ۲

اعتراضات و انتقادات ما نسبت بکاندیدهای انتخابات فعلی که از روی کمال بی طرفی و بی غرضی بوده و جز حقیقت گویی علت دیگری موجب آن نبوده است تاثر عمیقی در توده مردم مخصوصا در طبقه روشنفکران نموده بطوریکه عقیده و اراده اکثریت افراد اجتماع نسبت بکاندیدها مخالف و با نگرانی کامل ناظر جریان غیر قانونی انتخابات و تشنجات شرم آوری هستند که از طرف کاندیدها حاصل شده است.

و جوابی شش مصالح ولایتی میباشد که بتواند رای خود را در اختیارش گذارد.

اشخاص زیادی همه روزه بسا مراجعه میکنند که بهتر اینست روزنامه اسرائیل کاندیدی را معرفی کند تا مردم بدانند بچه کسی باید رای بدهند برای روشن نمودن ذهن خواننده گان معترم لازم شد علت خودداری روزنامه را از معرفی کاندیدها انتخابات تذکر دهیم چون روز نامه آینه افکار و مظهر عقاید جامعه میباشد و باید برای ارشاد افراد راهی را بیساید

برای بهبود وضع اجتماع

تسهیلات صحیح لازم است

بنابر این برای بهبودی وضع اجتماع و وارد نمودن آن در راه ترقی و پیشرفتی که سالها است جوامع دیگر در سیر آن دارند بحرکت خود ادامه میدهند باید اقتصاد جامعه را اصلاح نمود و بان سر و صورتی بخشید که این موضوع بستگی تامی با وضع عمومی کشور ما دارد و سر و کله جامعه ما مربوط به عوامل سیاسی و اجتماعی است که در مملکت ما حکمفرما میباشد و ترقی و سعادت ما منوط با اصلاحات عمومی است که باید در کلیه شئون اجتماعی بعمل آید ولیکن باین امید نشستن و دست روی دست گذاشتن نتیجه نخواهد داشت خود ما باید برای زندگی اجتماعیمان چاره بیندیشیم نقشه اساسی برای اصلاح اوضاع طرح نماییم و آنرا به روز اجرا بقیه در صفحه ۴

در اینکه فرسودگی پایه های اساسی ما بپنجهی حد شدت خود رسیده است و دردهای اجتماع ما سر به بی نهایت رسیده و هیچکس شکی ندارد - همه از این وضع مردم فریاد میزنند.

در هر محفل صحبت از بی سروسامانی عقب افتادگی جامعه بیان است حتی نهایی که میخواهند از حقوق سیاسی و اجتماعی ملت بفتح خویش سوء استفاده ایند در حالیکه خود در بدبختی دستی رند برای فریاد عوام نواقص پیشمارتماع را بر رخ میکشند و نوید اصلاحات نمی را میدهند - سرگردن مایب کاری با آسان است - تشفی علت مرض و مان آن شرط اصلی خدمت با اجتماع است ما برخلاف آنهاییکه عقیده دارند همه مانترین شده است و تا این باید پار رنج و محرومیت باشد معتقدیم که بختی های اجتماع ما معلول عوامل شماری است که اگر شناخته شوند و راه مبارزه با آن علل اقدام اساسی عمل آید بتدریج جامعه بیمار ما بهبودی فته و در راه ترقی و سعادت قدم خواهد گذاشت.

بقلم آقای س ختیم

وضعیت یهود

در ایران

کسانی که با جریانات سیاسی دنیا سروکار دارند و مسئول تبیین تکلیف اقلیت ها و نژادها میباشد در ضمن سایر مسائل سیاسی و نژادی مسئله ای بنام (مسئله یهود) در پیش دارند که حائز اهمیت فراوان بوده و موضوع مهمی بدست نویسندگان مسائل اجتماعی و سیاسی داده است.

چندی قبل يك كتاب انگلیسی موسوم به (جویس یروپلم) یعنی مسئله یهود بدست نویسنده افتاد که رفتار سایر ملل را با ملت یهود تشبیه کرده بود بطرز بر خورده انگلیسی ها با اهالی اسکاتلند منجمله نوشته بود با آنکه مردم اسکاتلند بسیار با هوش و فعال هستند و در بانک ها و کمرک خانه ها و اغلب دوائر دولتی و ملی رشته های حساسی در دست دارند و ضمنا اتباع کامل الیاری انگلیسی و جزو لاینفک ملت انگلیس میباشد مگر این چون اقلیت قومی دارند خیلی از انگلیس ها با نظر حقارت استهزاء بد آنها میکنند و برای آنها مضامین شومی آموخته درست می کنند.

این مقایسه در نزد ما بهتر مصداق پیدا خواهد کرد اگر مثلا طرز بر خورد تهرانی ها را با اهالی اصلهان بافروین مورد مقایسه قرار دهیم لکن از لحاظ تشبیه و فهماندن اصل موضوع عیبی ندارد.

بهر حال جستجوی حال بد رفتاری و تغییر اکثریت جهان امروزی نسبت به ملت یهود که به مدتی قاطعه مورخین اهدا کننده توجیه بدلیا بوده و بگوای

از مجله انگلیسی اطلاعات یهود ترجمه الیاس ابریشوی

یهود و دموکراسی

در تمام نقاط عالم امروز فریاد آزادی بلند است در فرانسه و نروژ در چین و لهستان در ممالک بالکان و حتی در کشور آلمان و ایتالیا و شیبور آن بگوش میرسد. این فریاد آزادی از حلقوم نیمی از افراد عالم بگوش میرسد که امروز در نخبه های نا گزینی گرفتارند این فریاد از اعصاب قلوب ملل متفق خارج میگردد که برای حفظ تمدن خود و تامين طريقه زندگانی دموکراسی خودشان مجهز و حاضر میباشدند ملت یهود بازندگانی دموکراسی ارتباط کامل دارد نسبت بزویج مرام و ایده آل دموکراسی قدهای موزنی برداشته و در سیر تکاملی دموکراسی جدید اقدامات قابل توجهی بعمل آورده است.

حسن آزاد بخوامی و پرستش خداوند یکتا از هزاران سال قبل در نهاد این ملت شلهور گردیده چنانکه در کتاب مقدس تورا نشان میدهد که چگونه شخصی بنام موسی در چند هزار سال قبل در مقابل فرعون مصر با کمال شجاعت ایستاده و باو الهام آورده بگذار امت من برود

درین تقاضا هیچگونه واسطه ای وجود نداشت و صرفا برای آزادی ملتی از قید بندگی این تقاضا با لحن بسیار ساده ای بگوش فرعون رسیده در آلمان ارزشی برای افراد انسان قائل نمیشدند بررگان و مشایخ در نظر دیگران بقیه در صفحه ۴

از مجله انگلیسی اطلاعات یهود ترجمه الیاس ابریشوی

یهود

و دموکراسی

سای ترین و اصلی ترین علت ناروایی و بیماری های اجتماعی را باید در اصل اقتصاد جستجو نمود

عدم بهداشت و سلامتی - بی سوادی - رواج شرافات همه از نتایج خرابی اقتصاد جامعه میباشد

شما دائما صرف بزنید - هزاران بخران قابل و مبرز را در داخل جامعه برستید تا از فوائد نظافت - بهداشت - اخلاق و رفتار خوب بگوش مردم بخواهند ولی هنگامیکه وضع اقتصادی اجتماع دچار هرج و مرج است کهجا و بچه وسیله مردم خواهند وانست این پندها و موعظه هارا بکار بسته در مقابل آن گوش شنوایی داشته باشند.

هنگامیکه مردم بنان شب خود سعاجند و فرزندان خود را لخت و گرسنه مشاهده میکنند چگونه دستورات بهداشتی و تربیتی را مورد توجه قرار خواهند داد.

دولت ایران برای تشکیل جلسه فوق العاده مجمع ملل متفق در باره مسئله فلسطین رای موافق داد

واشنگتن (پارس) - دولت ایران هم به کشورهایی که با تشکیل جلسه فوق العاده مجمع ملل متفق برای رسیدگی به مسئله فلسطین موافق هستند پیوست و بدین ترتیب تا بحال ۲۵ دولت به تشکیل جلسه فوق العاده مجمع ملل متفق رای موافق داده اند و فقط سه دولت دیگر باقی مانده اند که اگر آنها رای موافق بدهند اکثریت برای تشکیل جلسه حاصل خواهد گردید.

بقیه از پیش

ما و آلیانس

وضع کنونی مدارس آلیانس ایران چگونه است و باید چگونه باشد

وضع کنونی مدارس ما چگونه است

کافی و عدم اطلاع مردم از اهمیت فرهنگ آلیانس توانست نسبت بوقیوت مکان و زمان آن روز با کدک بعضی ترقیخواهان بهترین مدارس و بهترین وسایل تدریس و آموزش را برای ما فراهم کند و نظر بقدرت مالی که داشت حتی المقدور از بقیه در صفحه ۴

قبلا گفته شد که برادران غربی ما از فرانسه برای راهی مساز بلای جهالت و بیسوادی بناسیس چند باب مدرسه در ایران همت گداشته و پس از چند سال افراد لایق و شایسته ای تربیت شده بجامعه تحویل گردید.

در اوایل با وجود فقدان وسایل

چرا روزنامه ایسرائیل کاندیدی معرفی نمیکنند

بقیه از صفحه ۱

در نتیجه تاثیر و نفوذ این عوامل در یکدیگر ممکن است ایجاد شود بحساب بگذاریم بعد يك شخص شایسته و لایق تمام هیاری که دارای شرایط لازمه نمایندگی باشد پیدا کنیم پس از تحقیق کامل در اطراف قابلیت او آنوقت او را بهجامعه معرفی نمایم - يك نماینده ممکن است در تئیرات کلی وضع مملکت و مردم بسیار مؤثر باشد چه بسا در اثر اهمیت يك رای در مجلس شورا تحولات عظیم و عجبی در کشور رخ داده است چریان ماههای آخر مجلس چهاردهم یسوی برای مانابت کرده که يك رای اضافی موجب برپا شدن سال ۱۳۲۵ گردید و ممکن است سالهای بعد در تئیرات خود بشکاشد و ما هم ناظر و شاهد تئیرات کلی در مملکت شویم؛ بنابراین يك وكيل باید دارای شرایط خاص باشد که در شماره های قبلی این روزنامه کم و بیش گفته ایم .

ما آن شخص شایسته ای که بتواند با کمال شهامت و مردانگی و درستی و از روی وجدان و حقیقت با بیداری بگذارد و شرایط لازمه را دارا باشد و برای حفظ استقلال وطن و نجات جامعه از فساد و جهل و نادانی و فقر و بیکاری و بیسوادی فداکاری کند و از رموز اجتماع و سیاسی و اقتصادی مملکت خود و دنیای کنونی مطلع باشد آنطور که باید پیدا نکرده ایم تا بهجامعه معرفی کنیم و اگر هم وجود داشته باشد بواسطه سوء جریانی که موجود است و به علت تشبثات فیر قانونی و اوضاع شرم آوریکه بعضی عناصر جاه طلب ایجاد نموده اند از آنها سلب اعتماد شده ، خود را معرفی نمیکنند و گوشه نشینی بر کرده اند . چون از وضع انجمن نظار و جریان انتخابات کاملاً ناراضی هستیم و امیدیم که به آینده رضایت بخش نداریم و میدانیم ما ثابت يك عنصر ناشایسته و نالایقی که خود را بد بگوران تکیه داده است سر از صندوق در خواهد آورد لهذا بفرز اینک ما شخص صالحی را کاندید نمائیم و مردم را دعوت کنیم که باورای دهند او را مسکن است روزنامه ارکان يك فرد و مداح يك شخص معرفی شود و ثانیاً ممکن است در اثر تضییقاتیکه مخالفین برای او ایجاد نمایند او را مجبور بقبضگی کنند پس اینکه آن شخص در اثر افکار مرتکب اشتباهی شود آنوقت است که مخالفین ما آن شبهه و اشتباه را باذره بین های عیبجویی و فریضانی خود بزرگ میکنند و مانند حربه ای بر ضد ما و روزنامه ما بکار خواهند برد و خطای او را بحساب ما خواهند گذاشت .

گذشته از این روزنامه مهده دار معرفی کسی نیست فقط وظیفه آن در اینجا تذکر معایب و انتقاد نمودن و ارائه راه اصلاحات لازمه و بیدار کردن مردم و حتی القودر جلو گیری از افکار آنها است و در باره انتخابات بارها ما نظریات خود را نوشته ایم و شرایط کلی يك نماینده را گوشزد نموده ایم که هر کس میتواند از مجبوره آنها يك نمونه کاملی از خصوصیات و صفات و مشخصات يك نماینده را در دست داشته باشد .

و اما چرا ما با کاندید های فلی مخالف هستیم ؟ تمام این آقایان بجای اینکه بگویند از راه کارهای اجتماعی و خدمات ملی خود را به جامعه بشناسانند و شرط مؤلفیت قانونی خود

اداره دفتر روز نامه ایسرائیل

در شماره ۱۹ آن جریده در صفحه سوم خبری تحت عنوان وضعیت ایسرائیل های اصفهان به قلم آقای یزدی درج شده بود که قسمت سوم آن که میبویسد در اصفهان دفتر ازدواج و طلاق رسمی وجود ندارد بدون حقیقت میباشد و دفتر ازدواج شماره ۶۰ و طلاق ۴۴ کلیان اصفهان تحت نظر آقای سلیمان بسا دائر و مشغول خدمت گذاری به جامعه ایسرائیل اصفهان میباشد منشی است به احترام قانون مطبوعات امر به درج این تکذیب نامه بنمایند

با تقدیم احترامات فائقه
یشوعا لاش و ویل کنیسان سایی

يك كشتی دیگر حامل مهاجرین در آبهای فلسطین شاهنده شده است

گزارش میرسد که يك كشتی مسافر بری حامل متجاوز از ۳۰۰۰ نفر مهاجرین قاچاق در آبهای فلسطین مشاهده شده است . كشتی مزبور که گویا از یکی از بنادر فرانسه حرکت نموده باشد « تودر هرتزل » نام دارد و نام سابق آن « کوردیان بوده است و گویا پرچم « هندوراس » بر آن افراشته شده است .

اخطار یه تروریست های یهودی فلسطین

اورشلیم - پارس - رادیو - برزیل اطلاع میدهد سازمان تروریستی استرن بوسیله نامه که بطرزوعات فلسطین فرستاده است اخطار میکند که اگر پلیس و ارتش انگلیس یکدفعه دیگر یهودیان بدون تقصیر را اعدام نماید باید منظر مامله متقابله باشند

ممکن است در ماه جاری سازمان ملل متفق ارای رسیدگی به موضوع فلسطین تشکیل جلسه دهد

کلیه جرایم تروریستیکه اخیراً در فلسطین مرتکب شده اند و در این زمینه حقیقتاً بر علیه آنها واداشته است .

چون روزنامه با حقگویی خود بهشت این عناصر خودخواه را باز کرده و آنها را رسوا نموده است ما را تهدید بتوقیف آن مینمایند اگر چه میدانیم فرضاً که توقیفی هم پیش آید موقتاً است ولی خوب است این آقایان بگفته خود عمل کنند تا ملت ، دوستان و مدافعین حقوق اخود را بهتر بشناسند و تشخیص دهند کسائی بنام وی میخواهند بتمام وجه و ثروت بیشتری برسد چگونه به پشتو بریدن زبان جامعه اقدام میکنند .

باز هم میگوئیم افراد ملت بیدار بشاید قبول این اشخاص جاه طلب و خودخواه را نخورید

برای چند نا چیز اغفال نشوید و رای خود را در اختیار آنها بگذارید بروید بگرد اشخاص صالحی که گوشه گیری را اختیار نموده اند با برای مبرا بودن از این افتضاح بکنار رفته اند جمع شوید و یکی از آنها را روی کار آورید .

ما به بارزه خود ادامه می دهیم و خالین جامعه را رسوا می کنیم :

اورشلیم
کولاه کوهن دوشبره ۲۱ ساله یهودی که هنگام بخش اخبار از طرف دسته سترن در رادیوی سری تل اوپو بازداشت شده بود و در نتیجه محکومیت به ۷ سال حبس در زندان بسر میبرد از بیمارستان دوانی در اورشلیم فرار نمود

ما و آلیانسی

وضع کنونی مدارس آلیانسی ایران

چگونه است و باید چگونه باشد

بقیه از صفحه ۱

مراقبت کوتاهی نیکرد ولی در چند سال اخیر به علت تحولات ناگواری که در جهان رخ داد و دنیا دچار سخت ترین مصیبت ها گردید و مملکت فرانسه توسط غارتگران نازی اشغال شد و موقتناشکلات آلیانسی از فعالیت باز ماند مدارس مربوطه از کمکهای آلیانسی محروم گردید و موسساتیکه در ایران بود کاملاً در اختیار افراد ایسرائیل ایران ماند و بحکم اجبار خود آنها میبایستی آنرا اداره کنند ولی بدبختانه آنطوریکه میبایستی مدارس ما اداره شوند نسبت به اوضاع فرهنگی محیط پیشرفت نموده بلکه از آنچه را هم که بود عقبتر رفت و در بعضی شهرستانها احتمال بسته شدن مدرسه میرفت و بعضی هم هر سال يك کلاس خود را تعطیل میکردند . هنوز هم اوضاع بهمان منوال است و تغییرات مهمی رخ نداده است زیرا همه ساله چه از مرکز و چه از شهرستانها شنیده میشود که بودجه کافی در اختیار نیست و سالیانه هر يك میلی کسر دارند . در نتیجه وضع داخلی مدارس از لحاظ ساختمانی اغلب ویرانه یا ناقص کلاس کافی برای پذیرفتن دانش آموزان است و از لحاظ انانیه و لوازم بسیار وقت بازمیباشد صندلیها و نیمکتها کهنه و شکسته و اغلب بیش از ارزش تازه نو آنها بخرج تعمیر آنها میشود .

از لحاظ تعلیم و آموزش به علت نبودن بودجه کافی برای کاستن از مخارج و پرداختن آنها ، متصدیان مربوطه ناگزیرند مملکتی استفاده کنند که بتوانند با حقوق کم قناعت نمایند .

آموزگار با حقوق کم حقیقتاً حتی تکفوی ثلث مخارج ماهیانه او را نمیتوانند استخدام شود در واقع کسی است که از هردی مایوس بر گشته و برای یافتن کاری در خارج نتوانسته است موفقیتی پیدا کند لذا بدرسه پناه آورده و خود را شایسته رهبری و تربیت فرزندان و جگر گوشه گان مردم معرفی میکنند حال گنگو در اطراف اطلاعات و فعالیت آنها برای احراز مقام مقدس آموزش کاری زائد است زیرا هر کس میتواند با يك محاسبه ساده در باید شخصیکه مجبور بود ماهیانه خود را بتواند معلم با حقوق ناچیزی اسیر کند در واقع آموزش کار نیست بلکه روانه از هر کوفی است که فقل برای نجات از بیکاری تن باین شغل

داده است اینجا تقصیری متوجه معلمین نیست ما بطور کلی شخص معلم را محترم میدانیم و مقام او را مقدس می شماریم . تقصیر متوجه اولیاء و متصدیان امور است که برای صرفه جویی از چند صد تومان در ماه آینده و سر نوشت هزاران طفل و جوانرا فدا میکنند در صورتیکه جوانان فاضل و با اطلاعی هستند که از هر حیث شایستگی آموزشی را دارند ولی بواسطه گنم بودن از آنها استفاده ای نمیشود نسبت به احتیاجات مردم به فرهنگ مسلم است شخصی که بنام پیشرفت تمدن و ترقی علم در جهان بواسطه عدم مراقبت و توجه کافی در وضع اداره داخلی و ملرز آموزش و تربیت دانش آموزان و به علت نبودن بودجه کافی برای رفع احتیاجات لازمه امروز از مدارس خود جز گذراندن وقت و تلف شدن عمر کمتر نتیجه دیگری بدست میاید .

بحث ما فقط در اطراف مدارس اتحاد در تهران نیست بلکه بطور کلی راجع بکلیه شهرستانها صحبت میکنیم امروز که هر جامعه ای سعی میکند بهترین و مستقیم ترین و ساده ترین راه و وسیله تعلیم و تربیت را در اختیار خود داشته باشند و روز بروز بنکات حساس و دقیق اصول آموزش آشنا تر می شوند در مدارس ما از قراری که شنیده میشود بعضی از معلمین فقط با ادای کلیات « خاک بر سر و بدبخت » و جلات زنده و شرم آور دیگر با دانش آموزان روبرو میشوند و بجای تدریس ، بیشتر ساعات درس را صرف خود ستائنی و تریف از شخصیت و معلومات خود میکنند خلاصه ادامه این وضعیت با بودن بودجه و وسایل کافی برای ایجاد اصلاحات و با عدم وجود معلمین قابل و شایسته و با سهل انگاری و مناسعه مردم در امر تعلیم و تربیت امیدی بآینده خوبی نمی توان داشت زیرا دنیا با سرعت در راه ترقی و توسعه فرهنگ پیش میرود و آخرین وسیله و سیستم تعلیم را بکار می برند در صورتیکه ماحتی از داشتن وسایل کهنه و قدیمی هم محروم هستیم . هنوز در مدارس مساکنه پرستانی بند ریس گمارده شده اند که دم از اجنه و شیاطین میزند و اصول و عقاید ملامکتی را می خواهند برای تربیت شاگردان بکار برند .

جامعه یهودیان ایران

با کمال تاسف فوت شادروان با لوقر و نوق را به کلیه بازماندگان خصوصاً جناب اشرف آقای نخست وزیر و جنابان آقایان و نوق الدوله و دکتر آشتیانی تسلیت میکنند .

تقریحا
فرشته :

والده آقاموسی! یکی میگفت: اگر قوه ناطقه من مدافع حقوق شما نشد حاضر باستیضاحم!

دیگری میگفت چراچه کاره است توده های وسیع ملت پشتیبان من است! بهر کس وعده دو سیر گوشت و پنج سیر برنج بدهی با منت استم را توی ورقه می نویسد *

شب بود آهسته بخانه میرفتم ، غفلتا بچه کوچکی جلوم را گرفت و گفت آفایکشماره روزنامه اسرائیل بخیرید گفت: من وقت خواندن ندارم: چشمم درد میکند! بچه مسایم که هنوز وقت خواندن نیست! خواهش میکنم از این چیزها بنده!

گفت: آقا! اختیار دارید، این روزنامه برای شما منتشر میشه اگر شما نخرید پس کی بخره! مجلس نگذاشتم و قدمهارا تند کردم تا از شرش خلاص شوم اما عقیم میدوید و روز نامه را زیر پلم جامیداد! ایستادم و گفتم: آفاجان من روزنامه بخیروام، مگر میچیزم! گفت: میچیزم زیتید ولی همین یکشماره را بخیرید! گفتم: نه خرم و اورا در پنج کوچه پیچیدم و باعجله زیاد دور شدم، چند قدم که رفتم نفس راحتی کشیدم و بخودم گفتم، بدتر از بلای ناکهانی این روزنامه فروشهای سیخ هستند، ولی حرفم تمام نشده بود که متوجه شدم هنوز در عقیم راه میروم و میخواهد روزنامه اش را زیر پلم جا بدهد! گفتم: بچه! چه کار من داری چرا دست از سرم برنیداری! گفت: همین یکشماره را بخیرید اطمینان داشته باشید استفاده زیادی از آن می برید، خبر های انتخاباتی آن خواندنی است!

تا اسم انتخابات را شنیدم هوس کردم یکشماره بخرم، دوریال باو دادم و گفتم همین یکشماره را میخرم، مرا جز مشتری کن محسوب نکنی! فهییدی چه میگویم! روزنامه ای در دستم گذاشت و با عجله دور شد و گفتم: فهییدم! فهییدم! ولی مرتبه دیگر هم از این خبرها زیاد دارد!

روزنامه را تا کردم، آنرا جیبم گذاشتم و بخانه آمدم، وقتی وارد اطاق شدم دیدم والده آقاموسی خشمگین و غضبناک گوشه اطاق نشسته و بکمرمشغول است، از دیدن قیافه اش بدنم لرزید و دانستم امشب با بالنگه کفش منم را خورد میکند! اطاق بیرونم خواهد کرد!

شب بغیر گفتم و رفتم گوشه ای نشستم گفتم: اگر میدانستم تو تا این حد بدی هرزه و نالافی، وقت مروتیمان زمین و زمان را بهم میزدی و راضی باز دوای بانو نمیشد گفتم: چرا! برای بچه! مگر چه کردم! گفتم: در این مدت سستی و رفیدی خودت را بین ثابت کردی، مگر تو از دیگران چه کسر داری که کالبد پشوی ۱۰۰ امروز در بین ما هر کسی که شخصیت و سواد و سابقه خدمت بکارهای ملی ندارد، کالبد پشده و همه آنها میخوانند

با تزویر و دسیسه و حقه بازی کرسی و کالت را بدست بیاورند و به بزرگترین مقام اجتماعی ما برسند ولی تو بدبخت! اصلا بفکر این کارها نیستی و خیال می کنی اگر ساده و مظلوم باشی مردم ترا آدم خوبی میدانند و احترام بیشتری برایت قائلند، ولی اشتباه میکنی کم روئی و سادگسی این روزها بدرد نمیخورد! هر کس شارلاتان و هوجبی بود سوار خرم را میشه و افسار توی دهان تو و امثال تو بی دست و پاها میاندازه خون ترا می مکند! گفتم: چطور شده! امشب از موضوعاتی که اصلا برای تو سابقه نداشته صحبت میکنی و دم از کاندید شدنم میزنی! مرا بزکالت چه کار... ترا بخدا بگذار. لقمه نالی برای بچه هات بپزه کم و توی این دسته بندیا بیفتم!

چادرش را عقب انداخت و گفت: همین حرفها باعث عقب ماندگی توشده همین فکرها نگذاشته زندگیاں بهتراز امروز بشه! تو که امشب حیرا نبودی به بینی چه خبره، چه چار و چنچالیه! چسه کسانی کاندید شده اند و چه از اهل ساسی سنگ ملت بسینه میزنند! یکی در حیرا هوار میزد و میگفت: ای ملت! اگر مرا انتخاب کنید جانم را فدای شما میکنم! بکسی میگفت: اگر مرا انتخاب نکنید جانم را بخاطر میاندازم! یکی میگفت: اگر از تهران انتخاب نشوم سر از صندوق شهرستانها بیرون میکنم!

یکی میگفت: اگر قوه ناطقه من مدافع حقوق شما نشد حاضر باستیضاحم! یکی میگفت: اگر سابقا از ملت دور بودم امروز دانش را زالمصفت چسبیده ام! یکی میگفت: اگر آرا عشا انتخاب نکنند قدرت خارجی روی کارم میآورد! یکی میگفت: حیرا چه کاره است توده های وسیع ملت پشتیبان من است! همه آنها این حرفها را میزنند ولی همه حرفهایشان حرف بود! حرف امی فهمی چه میگویم! امروز همه با حرف مردم را گول میزنند و فردا که بنظور خود رسیدند بریش ما ملت میغندند و هر چه که دلشان میخواهد انجام میدهند!

گفتم: آفرین! یکی تا بحال در جلسات حیرا شرکت می کنی! گفت: امشب اولین دفعه ای بود که رفتم! گفتم: چرا رفتی! با کمال تعجب و خشم نگاهم کرد و گفتم: چرا رفتی! وقتی ما زلها می بینیم کاری از دست شما ساخته نیست! ما مجبوریم خودمان جدیت کنیم شاید کاری از پیش ببریم *

امروز عصر زلهای مسایه اینجا

جمع شدند و گفتند: حالا که برای کاندید شدن مردها لیاقت و شهامتی لازم نیست ما هم برویم و برای این مردهای بی عرضه مان که اصلا لیاقت و شهامت ندارند دست و پای بکنیم شاید بتوانیم خانم وکیل مجلس بشیم! فوراً چادرها را سر کردیم و رفتیم حیرا! وقتی رفتم حیرا، با بخوبی معلوم شد که برای وکیل شدن فقط و فقط حرفهای بزرگ، پرروئی زیاد و وعده های بوج لازم است و بس!

گفتم: بیجان موسی ما هم بی میل نیستیم نماینده ملت باشیم ولی بگو به بینم بالاخره کاری از پیش بردید!

گفت: امشب اجازه حرف زدن بنا ندادند! ولی در جلسه دیگر خودم میدانم چه بسزشان بیارم، اما بشرطی که تو هم بیایی و میان آدمها معلومت بشه!

گفتم: آخر وسیله تبلیغ نداریم! سرش را بطرفم دراز کرد و با تعجب گفت: وسیله تبلیغ نداریم! مگر قصاب خانه خراب شده! از فردا میدانم آنجا چه کار کنم. بهر کس وعده دو سیر گوشت و پنج سیر برنج بدهی با منت، استم را توی ورقه مینویسد گفتم: آخر من لیاقت این کار را ندارم و بر فرض اینکه وکیل شدم نمایندهم برای ملت خدمتی انجام بدهم.

گفت: مگر دیگران میدون خدمتی انجام بدن که تو ندونی!

گفتم: در این خصوص باید فکر بیشتری بکنیم عجلانگرسنه هستم بلند شو شام بیار، چادرش را بخودش پیچید و در حالیکه بلند میشد گفت: هیچ کاری نداره، خودم میدانم چه کار کنم!

وقتی والده آقا موسی بیرون رفت فکر کردم روزنامه فروش میگفت موضوع انتخابات اسرائیل خواندنی است! روز نامه را از جیبم بیرون کشیدم و خواندم. يك جريان مضحك، پس از مطالعه تمام مطالب اعتراف کردم موضوع انتخابات، جریسان مضحکی بیش نیست که نتیجه آنها مطهنا مضحك و خنده آور خواهد بود ناگاه متوجه شدم والده آقا موسی با ديك آبگوشت وارد شد و بس از پهن کردن سفره شروع بکوبیدن گوشت كرد، با بی اعتنائی کامل به خوراك و به سفره و به والده آقاموسی نگاه کردم تا عدم رضایتم را از پختن آبگوشت بفهمد که غفلتا گوشت کوب بستگی را بسادگت توی ظرف گوشت کوبید و گفتم، باز هم با چشمهای کج و موج نگاه میکنی... باز هم از پختن آبگوشت ناراضی هستی... گفتم: دیشب و پریشب و پس. پریشب آبگوشت داشتم، امشب هم باز آبگوشت! گفتم مگر ما غیر از آبگوشت چیز دیگری هم داریم! همیشه اینطور بوده و حالا هم همین است که هست سرت را بیانداز پایین و هر چه هست بخور و دم زن!

دانستم اگر بیشتر حرف بزنم، لنگه کفش والده آقاموسی توی منم کوبیده خواهد شد! حرفی نزدم آهسته و آرام گوشه سفره نشستم و بخوردن آبگوشت مشغول شدم ولی بی بردم گوشت آبگوشت ما نه بخته! بخورم چرات دادم و گفتم: شبهای دیگر افلا گوشت آبگوشتمان بخته بود، امشب چطور بخته!

گفتم: آلموقع ما هم بخته بود ولی طوره، آنها را بخوردت میدادم که هیچ ملذت نمیشدی! اگر هم ملذت میشدی تکلیف نداشتم!

بالاخره شام خوردیم و رفتم توی

شماره جدید مجله

فلسطین و خاور میانه

وارد شد بیهای ۹ ریال از منازه نجات خیابان لاله زار و چاپخانه بوستانی چهارراه یوسف آباد منازه چادرچی دروازه شیران خریداری فرمایید

اشترک سالانه (۱۲ شماره) ۱۲۰ ریال است

از تهران و شهرستانها مراجعه فرمایید به نشانی:

بنگاه عم حی تهران صندوق ۱۷۶

کتاب آزادی بدست خود

بقلم
دکتر یهودا پینسکر

فلسوف مشهور صیونیست منتشر شده بیهای ۷ ریال از نمایندگی های عم حی در تهران خریداری فرمایید

هر فرد اسرائیلی باید این کتاب را بخواند

بنگاه عم حی صندوق ۱۷۶

مژده به اقامندان زبان عبری

چاپ جدید کتاب بسودوت وارد شد بیهای ۳۰ ریال از: پارچه فروشی نجات خیابان لاله زار

مغازه چادرچی دروازه شیران جنب بارک امین الدوله خریداری فرمایید. از شهرستانها نیز مراجعه کنید به:

بنگاه نشریات عم حی - تهران صندوق پستی شماره ۱۷۶

۳-۲

لیاقت و شایستگی خود برای رفاه و آسایش شما استفاده خواهیم کرد و از حقوق مسلم شما دفاع خواهیم نمود

وضع اجتماعی درهم شما را اصلاح خواهیم کرد! فرهنگ شما را تقویت میکنم و تدریس ادبیات عبری را در دانشگاه اجرا خواهیم کرد!

دستانی که مالکیت آن متعلق بشما است پس میگیرم و بوضع فلاکت بار اسرائیلیهای شهرستانها رسیدگی خواهم نمود!

سرمایه اشخاص را بهرین میاندازم و به بیکارها کار خواهم داد

برای جوانان کلاسهای ورزشی و برای دوشیزگان کلاسهای خیساتی افتتاح میکنم! زایشگاه های معانی و بیمارستانهای عمومی دایر میسازم و کودکان بی سرپرست و یتیم را به پرورشگاه میفرستم و هزاران کارهای مهم دیگری انجام خواهم داد که همه شما از من راضی و خوشنود باشید!

از شنیدن حرفهای من صدای کف زدن و هورای مردم بقدری زیاد بود که غفلتا از خواب بریدم و متوجه شدم لایبر والده آقا موسی از خواب بیدار کرده است و هر چه دیده ام در خواب بوده.

رخغواب و آنقدر خرفلطادم تا خواهم برد: خواب دیدم والده آقا موسی میتینك بزرگی تشکیل داده و خودش در پیشاپیش آنها در حرکت است و بقیه با پرچمهای بزرگی که نام من روی آنها نوشته شده و مرا به نمایندگی مجلس انتخاب کرده اند بطرف منزل ما میآیند! منم با لباسی تمام رسمی در بالکون منزلمان که در خیابان بود ایستاده بودم و با شادی زیاد با آنها نگاه میکردم همه مردم باشمارها و پرچمهایشان در پایین بالکون ایستادند و شروع بکف زدن و هورا کشیدن نمودند و من در حالیکه میکرفونی جلو دهانم گذاشته بودم شروع بصحبت کرد و با کمال هیجان گفتم:

ای مردم! از حسن ظن شما که مرا به نمایندگی مجلس انتخاب کرده اید متشکرم ولی در اینجا لازم میدانم از مسالبت والده آقاموسی که مرا باین مقام بزرگ رساند اظهار قدر دانی کنم، ولی تا خواستم بگویم مردم من لیاقت این مقام را ندارم غفلتا متوجه شدم والده آقا موسی نزد ایستاده و بیخ گوشم میگوید: وای پرورگار! اگر حرف بر خلایق بزنی و سادگی خودت را نشون بدی ازود باش بگو من تمام امن خدمت کدارم! من جانم را فدای آسایش ملت میکنم! منمم با کمال حرارت فریاد زدم ای ملت اطمینان داشته باشید از خواب

در پیرامون

بند و روق از بیانات

بقیه از صفحه ۱
ما جان شناسنامه امروز اسم پدر و مادرشانرا فراموش کرده بودیم معلوم شد شناسنامه ها با ساخته گی است یا از دیگران است یکی میکفت این آقایان کاندید ها خیلی ناشی هستند اقلا اسم پدرمادر شناسنامه ها را به رای دهندگان یاد نمی دهند و اغلب نا امید مراجعت می کردند بعد از ظهر صندوق دهان تنگ خود را برای بلع آراء ۲۵ تومانی آماده کرده بود در این موقع آقای الیاسی خطاب به آقای شریعت زاده این شخص اسم مادرش را نمی دانست تحقیق کنید معلوم شد که شناسنامه از خودش نیست وقتی رای او را باز کردند بنام اریه بود ولی برخلاف شناسنامه دیروزی این یکی صورت جلسه شد و باز داشت گردید ولی صاحبش با نام خدا سبده شد

پهلوان دیگری که وارد کود انتخابات شده است بنام ح-م مدبر شرکت دارویی اترا کوومنازموک است متاسفانه من افتخار رؤیت ایشان نصیب نشد ولی همه از طرفدارانش فعالیت زیادی می کردند و با ورود ایشان قیمت آراء بالا رفته بود

در این موقع بین آقایان خرسندی و دکتر برال در موضوع صورت جلسه شناسنامه مشاجره سختی شروع شد دکتر برال گفت باید آقای خرسندی هم امضاء نمایند

خرسندی گفت من همه چیز را باید امضاء نمایم حرفهای رد و بدل شد اما آنچه که باید قضاوت شود گناه ناشی از عضویت دکتر برال بود ولی بالاخره با وساطت اعضاء انجمن بارد و بدل دو بوسه آبدار قضیه ظاهراً فیصله شد

اینجاست این چه قانونی است آقای ذ. می آید می ایستند دستور می دهد کافه سفید دست مردم می دهد که رای بنویسند پس ما چگونه ایم

من مشغول یاد داشت بودم آقای ذ گفت خواهش می کنم این موضوع را ننویس گفتیم من بی طرفم و وظیفه وجدانی من اجازه اظهارش نمی دهد گفت من از کسی ترس ندارم شما مامورین مجلس به لباس سویل رادر خارج ببینید گفت من را تهدید نکنید چشم نمی نویسم و نوشتم

تا آخر وقت انتظامات خوب بود و تا عصر ۴۷۷ و جمعا ۱۰۸۰ رای اخذ شده بود

مخبر اسرائیل

بقیه از صفحه ۱
بازار تهر تهریه از مقامات دولتی بعنوان ناظر خود را بانجمن معرفی کرد ولی نتوانست ساکت بنشیند مرتب اعتراض میکرد اعضاء انجمن عصبانی شدند و از اخذ رای استنکاف کردند و تشنج بسیار شدیدی دست داد ولی بانشریه آوردن آقای استاندار کار اصلاح شده وانجمن شروع بکار کرد و آقای امید با عصبانیت جلسه را ترک گفت آقای استاندار: آقایان هر روز به مقاماتی متوسل میشوند و میخواهند ناظر باشند ولی نباید اصلا مداخله کنند اگر جریان غیر قانونی باشد باید آن را گزارش دهند

بعد از ظهر از ساعت ۳ صندوق برای پذیرائی آراء ابتیاعی حاضر بود ولی آقای خرسندی نبودند اعتراض کردند گفته شد اکثریت بود و صندوق را باز نکردیم گفتند حق ندارید باید مهر فرمانداری را من ببینم ولی آنچه البته بجای نرسید اعتراض ایشان بود

آقای کهنه بنشریه رسید و اوقاتش خیلی تلخ بود من از یکی از طرفدارانش پرسیدم آقای خرسندی نیست گفت هر چه نصیحتش میکنم گوش نمی دهد و هر چند خرج کند فایده ندارد اگر رسا کنار بکشد مباحی مدت چنگش ولی ...

مقارن ساعت ۴ بعد از ظهر بود آقای ک. با اتفاق جوانی ۱۶ ساله و شناسنامه ۳۰ ساله که عكش را قبلا كنده بودند وارد شد و اعتراض کرد که چرا رای او را قبول کرده اند قرار شد صورت جلسه شود ولی ناگهان جوان و شناسنامه چون دود پخوا رفتند روز دوشنبه ۱۹۲ و جمعا ۵۹۴ رای اخذ شده بود سه شنبه ۲۶۲۲۱۵ - امروز خرید رای ترقی فاحشی کرده بود آقای ک. اصلا پیداش نبود و مثل اینکه نمایان خبرخواهانه رفیقش را قبول کرده است

آقای ذ از ورقه دعوت نامه جشن و حضور جناب اشرف صحبت میکرد و مرتب عینک سفیدش را بالا و پایین میکرد یکی میکفت تمام سرمایه خود را خرج کرده است و دیروز چند قالیچه فروخته دیگری اظهار میداشت صفت بگدانك و نیم خانه پدرش را در برابر ۱۰ هزار تومان گرو گذاشته کامیونها و اتوبوسها مملو از مردم بی شهر وارد شدند و قیمت آراء به ۲۵ تومان رسیده بود

تذاری تو متوجه

از همکاران و رفقای کرامی الماضا میشود اینجانب دکتر کمپی را با آقای دکتر کمپن مدیر وسر دبیر روزنامه اسرائیل کسه مطبشان خبابان بود رجحری سه راه سرویس است انتخاب فرمایند

دکتر کمپی

صبح خبابان سرویس جنب تکیه رضاییان صدر خبابان رازی کوچه هری

یهود و دموکراسی

بقیه از صفحه ۱
منزلتی نداشتند. فرد انسان دارای حق و امتیازی نبود. بهای وانمی يك نار انسان بسیار پایین تر از يك حیوان بود. انسان بقدری بی قیمت بوده که فرعون مصر برای ساختن مقبره خود متجاوز از صد هزار بنده را بکار گمارده بود و این بندهگان در کمال ناامیدی بزندگانی پرمشقت خود ادامه میدادند در آنزمان بود که شخصی بنام موسی در جلو پادشاه مصر ایستاده اظهار نموده بگدار امت من برود. بر هیچکس پوشیده نیست که بطور حضرت موسی علیه السلام در این دعوی موفق شد و توانست امت خود را در بیابان کشانیده و بنحکام موعود گمان برساند. کلیه عملیات حضرت موسی و حوادث دیگر این بیکار پیایه اهمیت یگانه ایده آل بزرگ آن حضرت که عبارت از اصل آزادی میباشد نرسد زیرا پایه و اساس یهودیت را اصل آزادی تشکیل میدهد.

د. و کراسی سیاسی در زمان قدرت یهود واضح است که ملت یهود هنگام قدرت و عظمت خود دارای سلاطین بودند ولی وجود سلطان برای آنها از روی عقیده آنها بوده بلکه تهدید ملل دیگر مانند فلسطین ها و آشور بها و غیره آن هارا مجبور بداشتن ریاست مرکزی و سلطنت نموده

جوابی را که «کیده ان» در مقابل تقاضای قبیله خود برای قبول سلطنت بآنها داد هیچ موقع فراموش نمیکردند زیرا «کیده ان» اظهار داشت که من و نه اولاد من حاضر نیستم سلطنت را بر شما قبول کنیم سلطان شما فقط خداوند آسمانی است و باید از او متابعت کنید نصیحت سبویل را نیز فراموش نکردند که میکفت سلطنت طبعاً رو بسه

استبداد خواهد رفت این بود عواملی که یهودیان قدیم را از اطاعت سلطان نیرومند یهود سلیمان قادر نبود کاملاً ملت یهود را مجبور باطاعت او امر خود کند. سلاطین یهود در هیچ موقع دارای قدرت استبدادی نبودند سلطان یهود در رتق و فتق امور و مصالح کشور با مشورت ملت و مشایخ و بزرگان تصمیم میگرفت و در اخذ تصمیم مجبور بوده تورا را راهنمای قادر خود میدانند. یهودیان قدیم مشورت و مذاکرات و عدالت را اساس زندگانی خود میدانستند و چنانکه امروز می بینم مشورت و عدالت از اصول مهم دموکراسی جدید میباشد.

معمود یهود مظهر عدالت و مساوات است امروز ظاهراً کلیه ملل آزادی را سرمشق خود قرار میدهند و بهیمنی آن آشنا شده اند تشکیلات وسیع قانونی برای خود ترتیب داده تا قوانین آزادی را برای همه استوار سازند و با کمک داد گاهها و معاکم قضائی خود را در تصمیم عدالت و حفظ حقوق مردم صرف میکنند و در غالب راد گاهها جمله زیر بالای سر نضات نصب شده است.

اساس دموکراسی عدالت صحیح میباشد فقط در سایه آزادی دموکراسی صحیح ما میتوانیم زیست کنیم و دنیای آینده را تشکیل دهیم.

بقیه از صفحه ۱
فرماندهای و تفویضات را به یهود و کراسی میباید معترف بود که آزادی افراد عالم مساوات بین طبقات مختلفه نسوع بشر و حکومت قانونی در جهان نکات اساسی و مهم دموکراسی میباشد برستش خداوند از روی حقیقت جز بسا تعمیم آزادی در جهان و حفظ حقوق هر يك از افراد و ایجاد برادری و مساوات مابین آنها تحت قوانین اخلاقی صورت عمل بخود نخواهد گرفت.

مذبح ایده آل دموکراسی یهود این فریاد بیکارا به آزادی نه فقط از دهان موسی خارج گردید بلکه تمام بزرگان یهود علمیدار آزادی بوده در این راه کوششهای خستگی ناپذیری نمودند.

آیا این ملت بخصوص لازم بود در تعمیم آزادی تا این درجه قوت و غیرت بخرج دهد و آیا این عقیده در ملت یهود از کجا رسوخ پیدا کرده در حالیکه مردمان آنزمان کلا قیدیگی را بگردن خود قبول نموده بودند.

جواب این سوال تا حدی مربوط به علل زیر میباشد. تشکیل ملت یهود بطوریکه در تورا اشاره شده است در سرزمینی صورت گرفت که سرحدات آنرا بیابانهای عربستان محدود نموده بودند و بدون شك وقتی بزمن موعود رسیدند صفات منتهای بدوی مانند سادگی و بی نزویری و آزادی و مساوات را که در روح آن ها تزریق شده بود با خود همراه بردند. موضوع دیگری که تا حدی جواب سوال فوق میباشد این است که سلاطین سرزمینی است کوهستانی و کاملاً قابل کشت نبیاشد و ازین رو مردمان آنجا از لحاظ ثروت و مقام اجتماعی باهم تقریباً برابرند ولی علت و اساس تمایل خارق العاده پیشینیان یهود در تعمیم آزادی خود همان ایمان مذهبی آنها بوده است زیرا این ملت اولین ملتی بوده که تصدیق بوحدانیت و روحانیت حق نموده.

بعلاوه معتقد بوده که تمام افراد عالم مساوی و برابرند زیرا تمام نوع بشر بشکل انسان اولیه خلق میشوند و انسان اولیه هم مولود خداوند یکتا بوده است. و نیز عقیده داشتند که مناسبات اجتماعی در این عالم باید روی اساس قانون بیطرفی و منصفانه برپا گردد زیرا خداوند نیز نظام عالم را هنگام وجود در کمال عدالت و بدون هیچگونه ملاحظه قرار داده

توضیح لازم

چون بر اثر آگهی منتشره در شماره قبل مربوط به تهیه باغ چهار فصل برای روز سال تولد سوء تفاهمی شده بود لزوماً تذکار میدهم که روزنامه هیچ گونه مسئولیتی نداشته و لفظ مشروع چونچه آگهی داشته است ولی چون ناشرین آگهی حاضر برای پذیرائی مردم بودند بوسیله مدیر و ممبر روزنامه ماه کلا نتری اطلاع داده شد و کلا نتری ۳ نفر با سیان ماه و روز انتظامات بعمل رسانده و تا آخر وقت مردم در کمال راحتی و خوشی با در دست داشتن وسیله نقلیه کافی بشهر مراجعت کردند و بدین وسیله از مامورین و همچنین از علاقمندی کلا نتری ۱۱ و مامورین آن که در حفظ انتظامات و آماده کردن وسائل نقلیه از باغ اسکندریه در نلک نهایت جدیت رامیدول داشته اند قدر دانی مینمایم

برای بهبود

وضع اجتماع تشکیلات صحیح لازم است

بقیه از صفحه ۱
بگذاریم - برای این منظور جامعه ما تشکیلات صحیح و منظمی لازم دارد - تشکیلاتی که بدست خود مردم ایجاد شده و بنفع اکثریت جامعه قدم بردارد تشکیلاتی که آراء و نظریات و احتیاجات اکثریت افراد محور دوران و قوه محرکه آن باشد - برای رفع نواقص اجتماعی نقشه های عملی طرح نماید و از انرژی - پشتکار و فکر بهترین افراد جامعه برای اجرای آن استفاده کند از هم اکنون ممکن است بر نو بسنده خرده

گرفته دستجات حیدری و تهنی موجوده را برخ ما بکشند - ولی ما بدون کوچکترین نظرو غرضی اطمینان و ائق داریم که این دستجات که عامل مولد اکثر آنها منافع و نظریات خردوسی چند نفری میباشد قادر بانجام کاری بنفع اجتماع نخواهند بود - فلان آقا که برای پیش بردن نظریات انتخاباتی خود دست به تشکیل اتحادیه میزند و چند نفر هر نفس خود را دور خود جمع مینماید و برای ترسیدن بنظور و هدفتیکه در نظر دارد تظاهر به منسوب بودن ببلان حزب سیاسی میکند کجا بکتر جامعه بوده و عملی بنفع مردم انجام خواهد داد

ما شنبه بودیم که اتحادیه از افراد يك صنف مینی برای حفظ منافع اقتصادی آن صنف بعمل می آید

مثلاً کارگران شیاطین مقابل صاحبان شیاطین ها و با لکس صاحبان شیاطین ها در مقابل کارگران دست به تشکیل اتحادیه زده برای حفظ منافع خود با هم وارد مبارزه اقتصادی میشوند ولیکن هر قدر فکر کردیم بجهت بدیم اتحادیه کلیه ایران که اخیراً بدست یکی از شیفنگان کرسی و کات تاسیس شده است چه مفومی دارد - از کدام صنف و طبقه تشکیل شده است و باکی میخواهد وارد مبارزه اقتصادی شود

مگر افراد کابوی هم مانند رسته قصابها خیاطها کارگران معادن و کارخانجات صنف و طبقه مینی را تشکیل میدهند خلاصه منظور از ذکر این نمونه این بود که اکثر این دستجات توانائی در مان کوچکترین دردهای اجتماع را نخواهند داشت - بوجود آنها نباید دل خوش نمود و بامید عمل مثبت نشست مردم خود باید جنبش نموده برای اصلاح وضع جامعه تشکیلاتی بوجود آورند - آنرا قوی سازند - توسعه بدهند - در این راه افراد فهمیده و روشنفکر آنها می که در کار های اجتماعی نظری جز سعاد و خوشبختی جامعه ندارند باید مجاهدت کافی بعمل آورند فعالیت خستگی ناپذیری از خود نشان دهند - از هم اکنون شروع بکار نمایند و اطمینان داشته باشند که مردم هنگامیکه عمل مثبت ببینند پشتیبان آنان خواهند بود

مهندس کبابی

مشهدات

من در اصفهان

بواسطه کثرت اخبار بشماره بعد موکول شد